

یاد کارگران جان فشان شده خاتون آباد گرامی باد!

حمید قربانی

از سپیده دمی که سرمایه بعنوان یک رابطه اجتماعی، تولد خود را با خون و چرک انسان کارگر جشن گرفت و جوامع مدرن را یکی بعد از دیگری به تسخیر خود در آورد و استثمار و شیوه اش را شکلی جدید بخشید و انسان تولید کننده آزاد از همه چیز شد. مبارزه طبقاتی نه اینکه به پایان نرسید، بلکه در شکل شدید و آشکارتر ادامه یافت. این مبارزه بین دو طبقه نوین یعنی طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار بر این اساس که یکی (کارگر) تولید کننده بود و فاقد ابزار تولید پس مجبور به فروش نیروی کار بدیگری و طبقه سرمایه دار بعنوان غاصب وسائل تولید و پس حاکم و سود برنده آغازی نوین و در شکلی واضح تر و با حدت و شدت هر بیشتر در گرفت. تا کنون میلیونها کارگر در این مصاف و برای رهایی کار از یوغ سرمایه کشته و در بسیاری از مقاطع قتل عام شده اند. مثلا نوشته می شود که در شهر لیون فرانسه برای خوبانند اعتصاب در حدود سی هزار کارگر به رگبار بسته می شوند و بر خاک می افتند و در همین کشور که به مهد آزادیخواهی و دموکراسی سرمایه، بحق شهره است، در نبرد و جنگی که به کمون پاریس معروف شد و بعنوان اولین دولت کارگران (دیکتاتوری کارگران) مشهور، بیشتر از 50 هزار کارگر و زحمتکش جان فشان شدند و رویهم رفته تا صد هزار تبعید به جزائر دور افتاده مستعمره سرمایه فرانسه شدند و وو.

در جامعه ایران هم که خیلی دیرتر وارد این روند شد، بی غیر از این نبود، منتهی در اینجا طبقه سرمایه دار که نیازمند به کمک کارگران برای برانداختن سیستم و دولت قدیم یعنی فئودالیسم به سبک جوامع آسیائی و بویژه ایران نبود بلکه با کمک سرمایه بزرگ شده و قدرتمند جهانی یعنی امپریالیسم این کار را نمود، استثمار (مافوق سود امپریالیستی) و سرکوب را خیلی شدیدتر پیش برده است. این بود که در سال های اولیه پاگیری و استقرارش خون بسیاری از کارگران آگاه و کمونیست و حق طلب را ریخت، از آن جمله می توان به محمد حجازی و دهگان اشاره داشت. این کشت و کشتار، زندان و شکنجه ادامه داشت تا نوبت به جمهوری اسلامی رسید. یکی از اولین گلوله های نوکران و مزدوران جدید سرمایه بر سینه ناصر توفیقیان کارگر بیکار شده مینو در اصفهان نشست، البته جمهوری اسلامی تا آن زمان در سنج، نقده و ترکمن صحرا و خوزستان و... خون انسانهای آزادی خواه زیادی ریخته بود. در دهه 1360 نیز که همه می دانیم که چه سان کارگران و زحمتکشان و فرزندان دانشجو و غیره بعنوان زندانیان سیاسی قتل عام دسته جمعی نمود و نام هیئتلر را تجدید کرد.

و اما، در رابطه با حمله و کشتار کارگران اعتصاب کرده خاتون آباد، کمی با حملات و کشتارهای دیگر متفاوت بود، زیرا که این کارگران فقط برای از دست ندادن شغل شان اعتصاب و تحصن کرده بودند. به جای رسیدگی به این خواست ابتدائی کارگران، مزدوران سپاه پاسداران و دیگر نیروهای امنیتی و سرکوبگر حمله می کنند، یک نفر کشته می شود و کارگران و مردم زحمتکش شهر بابک، خبر دار می شوند و کارگران نیز نخست جاده را می بندند و سپس به شهر برای تحصن در مقابل فرمانداری می روند. مردم شهر همه می ریزند تو خیابان و در دفاع از کارگران، برادران و همکاران خویش و بر علیه این جنایات شعار می دهند و در مقابل فرمانداری تجمع می کنند. به ناگهان، نیروهای فرمان گرفته از دولت اصلاحطلبان به زعامت سید خندان، آن نوکر مزور سرمایه که برای گفتگو در رابطه با تمدنها به داوس رفته بود، از زمین و آسمان بوسیله هلی کوپترها کارگران را به رگبار می بندند. تعدادی از کارگران و حامیانشان کشته و بسیاری زخمی می شوند که اسامی 4 نفر کارگر به نام های جاویدی، مهدوی، مومنی و ریاحی و یک نفر دانش آموز به نام پورامینی اعلام گردید. در زمان رژیم شاهنشاهی دیکتاتور و مستبد سرمایه نیز یک بار به همین شیوه کارگران را به رگبار بسته بودند و آن در سال 1350 - در جاده کرج تهران در محل کاروانسرا سنگی؛ ددمنشانه به کارگران اعتصابی کارخانه جهان چیت حمله شد. این حمله که نقش مأموران ساواک در آن برجسته بود، منجر به کشته شدن و زخمی شدن صدها کارگر گردید.

از آن سال یعنی 1382 تا کنون هر ساله مراسم هائی در داخل و خارج به یاد این عزیزان برگزار می شود تا با تجدید خاطره جان فشان شدن این کارگران، در 4 بهمن، یاد تمام جان فشانان جنبش کارگری و بویژه ایران کرده باشیم و عهد تازه کنیم که تا نابودی سیستم سرمایه بعنوان بانی و مسبب چنین جنایاتی، نبرد آنها را ادامه دهیم. این یادبودها در داخل کشور به اشکالی چون اعتصاب (5 دقیقه ای)، فتح قله ها و سرود خواندن و گفتگو در باره چرائی؟ این کشتار و شبیه آن توسط دولت های دیکتاتور و ارتجاعی سرمایه داری در ایران، گلگشت ها و نصب پارچه نوشته بر روی سخره ها ... و

امسال نیز حتما به این مناسبت برنامه های گوناگونی چه در داخل کشور و چه خارج از کشور از جانب سازمانها، تشکل ها، احزاب و نهادهای کارگری و فعالان کارگری امید است که برگزار گردد، زیرا که ما نمی توانیم قهرمانان طبقه خویش را فراموش کنیم و از آن مهمتر آمال و آرمان آنها که رسیدن به یک جامعه مرفه و آزاد یعنی برآورده شدن شعار نان و آزادی می باشد را. مبارزه مان را بر علیه سرمایه و دولت های آن یعنی مبارزه حاد طبقاتی تا برقرار دیکتاتوری پرولتاریا که آنهم فقط تا زوده شدن وسیله

استثمار انسان از انسان یعنی مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و جانشین شدن با مالکیت جمعی و اشتراکی است و بعد لزوم و ضرورت خود را از دست داده و مضمحل می گردد، ادامه دهیم.

از طرف نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران- خارج کشور، شب پنج شنبه 4 بهمن، برای محکومیت این حمله جنایتکارانه و گرامی داشت یاد عزیزان جانفشان شده جنبش کارگری- در پالتالک برنامه ای خواهد بود که در لینگ زیر می توانید تراکت این برنامه را ببینید. امیدوارم که تعداد بیشتری در این جلسه شرکت کنیم و با هم راجع به علل این فاجعه و فجایع مشابه و اینکه برای پایان دادن به این اوضاع چه کار و عملی می توان و باید انجام داد، به گفتگو بنشینیم، به امید دیدار شما خواننده گرامی.

مرگ بر سرمایه داری بعنوان بانی و مسبب این جنایات – مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دولت سرمایه در ایران. یاد عزیزان جان باخته در خاتون آباد و دیگر جان فشانان جنبش طبقه کارگر گرامی باد. زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

حمید قربانی- یکم بهمن 1391 برابر 20 ژانویه 2013

لینک:

<http://www.chiran-echo.com/Paltalk.%2024%20jan2013,%20saat%2019.pdf>

و شعری

به هلی کوپتر های مس خاتون آباد*

و به فلزبان***

مرتضی ک.

بغض ما

مخلوط بنزین و هواست

متراکم شونده زیر فشار روزگار

دوره به دوره
انفجار ما را هدایت کرده سیلندر

به پس نشستن مشت خود
عمر ما را هدر داده
اوتول خود را به پیش رانده

چه بیفزاییم به مخلوط مان
که با بغض ما بترکد
مشت و لبخند
پیستون و سیلندر

لینک شعر:

http://kanoonmodafean1.blogspot.se/2013/01/blog-post_20.html